

ملّت، دولت و سکرمت قانون
جستار در بیان نفس و سنت

جواد طباطبائی

سرشناسه: طباطبائی، سیدجواد، ۱۳۲۴.
عنوان و نام پدیدآور: ملت، دولت و حکومت قانون / جواد طباطبائی.

مشخصات نشر: تهران: مینوی خرد.

مشخصات ظاهری: ۱۴/۵. ۲۱/۵.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۰۲-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: - ایران - مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: علوم سیاسی - فلسفه -

ایران

Political Science - Philosophy

رده بندی کنگره: JA۸۴

رده بندی دیویی: ۳۲۰/۵۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۳۹۳۱۲



انتشارات مینوی خرد

ملت، دولت و حکومت قانون

جستاردر بیان نظم و سنت

جواد طباطبائی

طراح جلد: مهران زمانی

۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول ۱۳۹۸

حقوق چاپ و نشر محفوظ است

انتشارات مینوی خرد، بولوار میرداماد، خیابان شاه نظری

خیابان دوم، شماره ۲۲ / واحد ۲۲

تلفن: ۲۲۹۲۲۰۱ و ۲۲۲۵۶۹۴۲ و ۲۲۲۵۷۷۱۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۰-۰۲-۴

www.minooyekherad.com

فهرست مطالب

۱ درآمد

۱۳ جستار ۱

۳۲ جستار ۲

۴۸ جستار ۳

۷۰ جستار ۴

۴ جستار ۵

۱۱۸ جستار ۶

۱۴۰ جستار ۷

۱۵۵ جستار ۸

۱۷۴ جستار ۹

۱۹۱ جستار ۱۰

۲۱۵ جستار ۱۱

۲۲۶ جستار ۱۲

۲۴۹ جستار ۱۳

۲۶۴ جستار ۱۴

۲۷۴ جستار ۱۵

۲۹۰ برخی نکته‌های پایانی

درآمد

این دفتر جستاری درباره «مشکل» ایران است و ملاحظات دفترهای سه‌گانه تأملی درباره ایران را دنبال می‌کند. از آن مجموعه دو دفتر دیگر باقی بود تا بتوانم چشم‌اندازی از آنچه در پنج سده گذشته بر ایران گذشته است، هم چون پرده‌ای در برابر دیدگان خواننده بگسترانم. مواد بسیاری برای آن دو دفتر باقی مانده فراهم آورده بودم و آماده می‌شدم تا آن کار را پیش ببرم که برای من از پس پرده آوای جرسی به گوش می‌رسید. در میانه خواب و بیداری من به چشم دل می‌دیدم که، بیش از پیش، نشانه‌هایی از پایان راه درونی در حال بیدار شدن است و چنین می‌نمود که «شب نزدیک، راه طلب تا یک دهه باریک» تر از همیشه شده است. آن‌گاه که ناچار گذارم به بیدار شدن افتاد، و پی بردم که کار درمان طولانی خواهد بود و عاقبت نامعلوم، ناچار خود را به اندیشه فراهم آوردن خلاصه‌ای ناقص از آنچه قرار بود در حجمی نزدیک به ده برابر این جستار عرضه شود خرسند کردم تا هم روزگار به بطلان نگذرد و هم شاید سودی از این اوراق پراکنده به خردش برسد. آن دو دفتر می‌بایست سیر تاریخ اندیشه در ایران در فاصله یک سده از مشروطیت تا انقلاب اسلامی را دنبال می‌کرد. بویژه قصد آن داشتم تا در بخش بزرگی از دفتر نخست تفسیری حقوقی از مشروطیت عرضه و اهمیت آن در تاریخ معاصر ایران را برجسته کنم. پژوهش‌های طولانی برای یافتن راه کرده و طرحی از یک نظریه عمومی برای مشروطیت ایران در پیوند آن با نظریه‌های مشروطه‌خواهی در دیگر کشورها فراهم آورده بودم. جا به جایی چندین و چند باره کتاب‌ها و یادداشت‌ها در سفرهای ناخواسته بسیار ممکن نمی‌شد، و با سستی گرفتن قوای ذهنی و جسمانی نیز به این

نتیجه رسیدم که ادامه کار به نیرویی بسی بیشتر از توان من نیاز دارد. آن دفتر، اگر فراهم می‌آمد، می‌بایست هم‌چون کوششی برای بررسی زوایای ناشناخته‌ای از دگرگونی‌های اندیشیدن ایرانی باشد. در یکی از فصل‌های نوشته شده آن دفتر بویژه کوشش کرده بودم نظریه‌ای برای نصّ مفقود چهارمین رکن سنت در ایران عرضه کنم که به مناسبتی در «مرکز مطالعات عالی» پاریس نیز در جمع کوچک‌تری که اعضای آن در نامه‌هایی نزدیک به آن مطالعه می‌کردند عرضه و درباره آن گفتگو کرده بودم. کار تدوین آن بحث به فرانسه و فارسی، به دلایل ناهمواری‌هایی که طرح آن سودی برای خواننده ندارد، پیش نرفت، اما این امر مانع از آن نشد که جمالی از آن را در این جستار بیاورم. بحث دیگری که در این جستار آمده، و باید اندک توضیحی درباره آن بدهم، اهمیت تفسیر حقوقی مشروطیت است که تاکنون توجه چندانی به آن نشده است. اندک تاریخ‌نویسان اندیشه مشروطه‌خواهی نیز اهل حقوق نبوده و به اهمیت وجه حقوقی مشروطیت ایران پی نبرده‌اند. بحث درباره وجه حقوقی مشروطیت، افزون بر این که می‌تواند پرتوی بر یکی از ناشناخته‌ترین زوایای اندیشه مشروطه‌خواهی بیفکند، ربطی نیز به نظریه اصلاح دینی در اسلام دارد که در متن اشاره‌ای به این وجه از جنبش مشروطه‌خواهی خواهم آورد، اما، به مناسبت این جا، باید اشاره‌ای گذرا به دفترهایی بکنم که از تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا باقی مانده است و ربطی به موضوع این جستار دارد. از آن مجموعه یک دفتر دیگر در حال آماده شدن است که به فلسفه حقوق اختصاص یافته است. حقوق یکی از نخستین دانش‌هایی است که در سده‌های میانه متأخر، در حدود سده دوازدهم میلادی، در اروپا، به عنوان شاخه‌ای مستقل و روشمند در الهیات مسیحی پدیدار و به یکی از مهم‌ترین ستون‌های تمدن اروپایی تبدیل شد. در زبان فارسی نوشته‌ای که از اهمیتی

جستار در بیان نص و سنت ۳

برخوردار باشد در این باره وجود ندارد. تاریخ پدیدار شدن حقوق، به عنوان دانش روشمند و نظریه‌های فلسفی درباره حقوق، یا فلسفه حقوق، یکی از جنبه‌های پراهمیت تاریخ فلسفه و تاریخ اندیشه سیاسی نیز هست، اما در ترجمه‌ها و نوشته‌های موجود در زبان فارسی تحقیق غالب توجهی در این مباحث وجود ندارد. در آغاز، من آن دفتر را به عنوان دیباچه‌ای برای فهم تفسیر حقوقی اندیشه مشروطه‌خواهی در ایران فاسم کرده بودم، اما با وقفه‌ای که در تدوین این دفتر اخیر پیش آمد، ناچار، رساله درباره «فلسفه حقوق» در دفتری جداگانه منتشر خواهد شد. اشاره‌های احتمالی در این جستار به آن مباحث ناظر بر آن نوشته است که امیدوارم در زمان نزدیک در دسترس خواننده قرار گیرد.

موضوع اصلی این جستار پژوهشی درباره مشکل ایران و هم‌چون خلاصه‌ای از بحث‌های است که پیشتر در دیگر دفترها و بویژه مقاله‌ها آورده‌ام. بحث من تنها به تاریخ و تاریخ اندیشیدن ایران سیاسی کنونی اختصاص ندارد، بلکه ایران، به عنوان ایران‌شهر، ناظر بر وضع ایران بزرگ فرهنگی در تاریخ طولانی آن است. چنان‌که در جاهای دیگری نیز توضیح داده‌ام، ایران بزرگ فرهنگی کنونی با بیدگی‌ها و خلاف‌آمد عادت‌های بسیار است و برای فهم این پیچیدگی‌ها و خلاف‌آمد عادت‌ها نیازی به نظریه‌ای عام وجود دارد تا بتوان ویژگی‌های آن را توضیح داد. بدیهی است که معنای این حرف آن نیست که ایران تازه‌ای جداافتاده است، بلکه منظور این است که برای تبیین قانونمندی‌های تاریخ ایران نمی‌توان از نظریه‌های «جهانشمول»، به عنوان مثال، از نوع نظریه تاریخ مارکسیسم، و فرآورده‌های فرعی جدید آن، بهره گرفت که نظریه پردازان تاریخ از پیش تدوین کرده باشند تا بتوان مواد تاریخ ایران را با آن توضیح داد. کوشش برای توضیح قانونمندی‌های تاریخ ایران، و تدوین نظریه‌ای برای آن، امری جدید در پژوهش‌های ایرانی است و خاستگاه آگاهی از

ضرورت چنین پژوهش‌هایی بحرانی در تمدن ایرانی است که در این واپسین دهه‌ها ژرفای بیشتری نیز پیدا کرده است. تاریخ‌نویسان ناحیه‌های متنوعی از اندیشیدن ایرانی توضیح داده‌اند که این تاریخ و اندیشیدن ایران نیاز به نظریه‌ای دارد، چنان‌که تاریخ‌نویس «هنر اسلامی»، الگ گرابار، به درستی، توضیح داده که تاریخ هنر ایران نیازمند نظریه‌ای متفاوت از هنر اسلامی است و آن را نمی‌توان با مفاهیم و مقولات تاریخ‌نویسی هنر اسلامی توضیح داد. او می‌نویسد که ایران در فرهنگ و هنر اسلامی چنان جایگاه بلندی پیدا کرد که «کمابیش نیاز به فرضیه‌ای داریم تا بدانیم که در نخستین سده‌های دوره اسلامی چه اتفاقی افتاده است».^۱ من گمان می‌کنم این گفته را می‌توان کمابیش به همه ناحیه‌های اندیشیدن ایرانی تعمیم داد. از این‌رو در این جستار، چنان‌که گذشت، بخشی را به ملاحظات در تفسیر حقوقی مشروطیت در ایران اختصاص داده‌ام تا توضیحی از شرایط امکان آن ارائه کنم. نیازی به گفتن نیست که تأسیس نخستین حکومت قانون در آسیا، بود در کشوری با اکثریت جمعیت مسلمان، امری سترگ بود و این خود نیازمند نظریه‌ای است تا معنای آن نه تنها برای ایران، بلکه حتی جهان اسلام روشن شود. پرسش مهم این است که چگونه این اتفاق در ایران افتاد، اگرچه حلات عثمانی پیش و پیش از ایران دستخوش بحرانی ژرف شده و کوشش‌هایی نیز برای محدود کردن قدرت خلیفه و ایجاد مشروطیت انجام شده بود. اما دگرگوته‌های ایران اساسی‌تر و، به لحاظ نظری، با توجه به اصلاحی که در اسلام، دنبال آورد، مهم‌تر بود. در عثمانی، اصلاحات اساسی دو دهه پس از ایران، با الغای خلافت ممکن شد و نظام نهادهای جمهوری ترکیه، بویژه لائسیتۀ آن، در مجموع، تقلیدی از نظام سیاسی برخی کشورهای اروپایی

^۱ Oleg Grabar, *The formation of Islamic art*, New-Haven & London, Yale University Press 1973, p. 37.

بود، در حالی که مشروطیت ایران، چنانکه از صورت مذاکرات مجلس اول می‌توان دریافت، توانست نظام نهادهای نوآئینی را ابداع کند.^۱ البته، نیازی به گفتن نیست که در نوشتن قانون اساسی مشروطه و نیز برخی دیگر از قانون‌های عادی قانون اساسی بلژیک یا به عنوان مثال کد ناپلئون مبنای قرار گرفت، اما، با این همه، نویسندگان این قانون‌ها اهل اجتهاد نیز بودند، چنانکه از مشروح مذاکرات مجلس اول مشروطیت می‌توان دریافت، حاصل کار آنان از ابداع بی‌سابقه در تدوین قانون برای یک کشور اساسی حکایت می‌کرد.

به بیان ابرار، مشروطیت ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و من، در صفحاتی از این جستار، توضیحی دربارهٔ آن آورده‌ام. به نظر من، تفسیر حقوقی مشروطیت، افزون بر این که می‌تواند پرتوی بر سرشت نخستین حکومت قانون در نخستین قانون اساسی در یک کشور اسلامی بیفکند، می‌تواند هم چون دریچه‌ای بر یک نظریهٔ اصلاح دینی در اسلام نیز باشد که تاکنون دربارهٔ آن بسیار نوشته‌اند، اما بحث هم چنان ادامه دارد. من کوشش خواهم کرد توضیح دهم که، نظر به تمایزهای میان اسلام و مسیحیت، نمی‌توان از مفاهیمی که به تدریج به ویژگی‌های الهیات مسیحی برای اصلاح دینی تدوین شده است، برای توضیح اصلاح دینی در اسلام، بهره گرفت. مفهوم سکولاریزاسیون یا صرف شدن، که در مسیحیت مفهومی بنیادین برای تبیین تحول دیانت دریم به جد، به شمار می‌آید، در مورد اسلام، که دین دنیا هم هست و، به صورتی که مسیحیت آغازین تشبیه به دنیا (saeculum) را نفی کرده بود، دنیا را یکسره نفی

^۱ چنانکه خواهد آمد، در سخنان نمایندگان مجلس اول ارجاع‌هایی به مشروطیت در انگلستان و آلمان و نیز حکومت قانون در فرانسه وجود دارد، اما آنچه در آن مذاکرات اهمیت دارد حضور عقل عقلائی یا خرد جمعی در همهٔ نمایندگان از همهٔ طبقات مردم است، که توضیح آن خواهد آمد.

نکرده و رُهبانیت را نپذیرفته است، قابل اطلاق نیست. این امر موجب شده است که کوششی از آن نوع که در مسیحیت برای باز کردن مکانی برای دنیا در کنار آخرت لازم آمد ضرورت پیدا نکند. البته، نویسندگان بزرگی مانند امام محمد غزالی، بویژه در احیاء علوم الدین، کوشش کردند تفسیری زاهدانه از اسلام عرضه کنند که شاید بتوان از آن به تفسیر عیسوی مآب اسلام تعبیر کرد. با این همه، این تفسیر صوفیانه-زاهدانه، در غایت انزات منفی آن نسبت به جنبه‌های دنیوی اسلام، در رویارویی سختی با دو بیان دیگر قرار داشت که، بویژه در قلمرو فرهنگی ایران، عبارت بودند از عرفان عاشقانه، از سویی، و فقه، از سوی دیگر! مهم‌ترین پی‌آمد گرایش ایرانیان به عرفان عاشقانه، که ادب فارسی مهم‌ترین محمل آن به شمار می‌آمد نوع از تساهل و مدارای دینی و آئینی آنان بود و همین گرایش طولانی‌یرانیان به مدارای دینی موجب شد که، در آغاز دوران جدید تاریخ ایران از نیمهٔ دوم عصر ناصری تا پیروزی جنبش مشروطه‌خواهی، بسیاری از ایرانیان خیلی به اندیشه‌های نو پیدا کنند و بتوانند به آسانی این اندیشه‌ها را بپذیرند. مشروطیت در چنین شرایطی به پیروزی رسید و باز بودن ایرانیان به اندیشه‌های نوآیند موجب شد که، در آغاز، مشروطیت کمابیش به آسانی به دست آمد، اما کار اساسی مشروطیت این بود که بتواند فقه، به عنوان نظام «حقوق» شرع، را به حقوق جدید تبدیل کند تا تعارض میان فهم کهن دینی را اندیشهٔ جدید را از میان بردارد. مجلس اول، از همان نخستین دور آن، کار تدوین قانونها را آغاز کرد. نخست، قانون اساسی و مُتَمَّم آن نوشته و تصویب شد و، آن‌گاه، به تدریج، مجموعه‌های قانونی فراهم آمد تا نظام قانونی حکومت قانون ایجاد شود. البته، قانون‌نویسی ایرانیان با پیروزی مشروطیت آغاز نشد؛ برعکس، بیش از نیم‌سده پیش از آغاز به کار مجلس اول، بویژه از زمان ناصرالدین شاه، که علاقه‌ای به تدوین قانون‌ها داشت و به اهمیت

آن پی برده بود، اگرچه خود هرگز به هیچ قانونی تن در نمی‌داد، مجموعه‌های قانونی بسیاری نوشته شده بود.^۱ بدین سان، قانونگذاران مجلس اول تصویری از اهمیت و ضرورت تدوین مجموعه‌های قانونی داشتند و رایزنی‌های برخی از نخستین تحصیل کرده‌های حقوق جدید نیز موجب شد تا نخستین نمایندگان مردم در نظام قانونگذاری التفاتی ویژه به «ایگدا» و اهمیت نظام حقوقی در کشور پیدا کنند. با تدوین نخستین مجموعه‌های قانونی و نیز بویژه با تأسیس نهاد دادگستری، که کهن‌ترین و نخستین خاستگاه مشروطه‌خواهان ایرانی بود، شالودهٔ حکومت قانون در ایران فراهم آمد و ایران «در عداد دولت‌های مشروطه» درآمد.^۲

از مهم‌ترین مأموریت‌های برقراری مشروطیت استوار شدن شالودهٔ ملت و دولت - در معنای جدید - آن یعنی State در زبان انگلیسی - بود که در متن اشاره‌هایی به آن آمده است. چنان‌که در جاهای دیگری نیز گفته‌ام، در ایران، ملت و دولت را کسی بسیار کهن دارند و احتمال دارد بتوان نشان داد که ایرانیان کهن‌ترین دولت هستند که خود را به عنوان ملت فهمیده و در «میهن» خود نیز دولتی را تأسیس کرده‌اند که می‌توان آن را «دولت ملی» خواند.^۳ می‌دانم که مخالفان این نظر اندک نیستند و در

^۱ سید علی آل دواد، نخستین کوشش‌های قانونگذاری در ایران، تهران، انتشارات موقوفات افشار ۱۳۹۸.

^۲ «سواد دستخط محمدعلی شاه به صدر اعظم»، ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۴، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش سعیدی سیرجانی، تهران ۱۳۴۶، ج. دوم، ص. ۸۵. در این دستخط آمده است: «بدیهی است که از همان زمان که فرمان شاهنشاه مبرور ... شرف صدور یافت، دولت ایران در عداد دول مشروطه صاحب کنستی توسیون به شمار می‌آید».

^۳ دربارهٔ «میهن» پائین‌تر خواهم گفت که این مفهوم در معنای جدید آن نیز شاید قدیم‌ترین استعمال در میان معادل‌های آن است.